

نقش ادراک محیطی در توسعه نیافتگی روستایی

مورد: شهرستان فومن

دکتر حسن افراخته

دانشیار جغرافیا دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده

در ایران بعد از انقلاب اسلامی و تصویب قانون اساسی طرح‌های متعددی در قالب برنامه‌ریزی مردم‌گرا، عدالت‌خواه و استقلال‌طلب تصویب و اجرا شده است. با این همه شاخص‌های توسعه‌ی روستایی کشور گویای توسعه‌نیافتگی روستایی است، از این رو مهمترین پرسشی که مطرح می‌شود آن است که عوامل اصلی مؤثر در توسعه‌نیافتگی روستاهای ایران به رغم کوشش‌ها و سرمایه‌گذاری‌های زیاد کدام است؟ در این مقاله کوشش شده است توسعه نیافتگی روستایی ایران و نقش ادراکات محیطی در آن مورد بررسی قرار گیرد. داده‌های تحقیق مبتنی بر مطالعه‌ی میدانی از ۴۶۰ خانوار و ۳۰ روستای نمونه در شهرستان فومن (غرب گیلان) و برخی اطلاعات اسنادی است که با استفاده از آمار توصیفی، استنباطی مورد تحلیل قرار گرفته است. نتیجه‌ی مطالعه، گویای توسعه نیافتگی روستایی ایران است که ریشه در فقدان ادراکات محیطی مناسب در بین روستاییان و برنامه‌ریزان برخاسته از آنان دارد.

کلیدواژه‌ها: شهرستان فومن، ادراکات محیطی، توسعه‌نیافتگی روستایی.

مقدمه

در ایران طی دهه‌های گذشته برنامه‌های مختلف توسعه‌ی روستایی اجرا شده است. از محل درآمد نفت، میلیاردها دلار به اقتصاد کشور تزریق شده است؛ بعد از انقلاب اسلامی و تصویب قانون اساسی، طرح‌های متعددی در قالب برنامه‌ریزی مردم‌گرا، عدالت‌خواه و

استقلال طلب تصویب و اجرا شده است. فعالیت‌های زیادی در زمینه‌ی عمران روستایی، ساخت راه‌های روستایی، مسکن روستایی، آرایه‌ی برق و آب روستایی صورت گرفته است. با این همه در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۶۵ لغایت ۱۳۷۵ حدود ۲ میلیون نفر روستاها را به قصد مراکز شهری ترک کرده‌اند و هر چه به زمان نزدیک‌تر شویم، بر روند مهاجرت غیر پویای (رکودی) روستایی افزوده می‌شود. جمعیت شهرهای بیش از ۱۰۰ هزار نفر کشور در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ از ۵۳ درصد کل جمعیت شهری به ۶۹/۵ درصد افزایش یافته است. بعد از انقلاب، روستاهای برخوردار از آب آشامیدنی ۱۶۴ درصد و روستاهای برخوردار از برق ۶۳۱ درصد افزایش یافته است. درصد جمعیت روستایی برخوردار از آب آشامیدنی بهداشتی از ۲۳ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۵۷ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. با این همه در سال‌های ۱۳۷۵، برابر ۵۷۷۰۲ آبادی خالی از سکنه در کشور وجود داشته است. نسبت آبادی‌های خالی از سکنه از ۱۹/۳ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۴۵/۸ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است (ازکیا- غفاری، ۱۳۸۳: ۵۲-۵۳). یعنی آرایه‌ی خدمات دولتی کارساز نبوده و همچنان فاصله‌ی رفاهی و خدماتی بین شهر و روستا بسیار زیاد است (وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۹: ۲۶). با توجه به اینکه شاخص‌های توسعه‌ی روستایی کشور گویای توسعه‌نیافتگی روستایی است، مهمترین پرسشی که مطرح می‌شود آن است که عوامل اصلی مؤثر در توسعه‌نیافتگی روستاهای ایران به رغم کوشش‌ها و سرمایه‌گذاری‌های زیاد کدام است؟ در این مقاله کوشش می‌شود ابتدا توسعه‌نیافتگی روستایی ایران به تصویر کشیده شود. سپس نقش ادراکات محیطی^۱ در توسعه‌نیافتگی روستایی مورد بررسی قرار گیرد. زیرا اعتقاد بر آن است که توسعه عبارت از بازسازی ساختارهای فضایی و جامعه بر اساس ادراکات محیطی مبتنی بر سه اصل علم باوری، انسان باوری و آینده‌باوری است. بنابراین فرضیه‌ی اصلی تحقیق آن است که توسعه‌نیافتگی روستایی ایران ناشی از بی‌توجهی به ادراکات محیطی سازنده توسط روستاییان و برنامه‌ریزان برخاسته از آنان می‌باشد.

روش تحقیق

برای بررسی فرضیه‌ی تحقیق ابتدا کوشش شده است با استفاده از شاخص‌های مختلف، توسعه نیافتگی روستایی ایران به تصویر کشیده شود. آنگاه نقش ادراکات محیط روستاییان و برنامه‌ریزان در توسعه‌نیافتگی روستایی تحلیل شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق را ۱۴۴ روستای شهرستان فومن (نقشه ۱) با جمعیتی برابر ۱۵۲۰۵ خانوار تشکیل می‌دهد. این جامعه آماری ابتدا بر اساس نوع معیشت غالب و موقعیت مکانی به سه خوشه‌ی جلگه‌ای، پایکوهی و

ادبیات تحقیق

توسعه‌ی روستایی ایران موضوع بررسی‌های متعدد محققان داخلی و خارجی بوده است. بررسی‌های مربوط به اصلاحات ارضی در ایران بیشترین حجم مطالعات در این زمینه را تشکیل می‌دهد که درباره ماهیت، عوامل تأثیرگذار و نتایج اجتماعی، اقتصادی اصلاحات دهه‌ی ۱۳۴۰ (هالیدی، ۱۹۷۹؛ خسروی، ۱۳۵۸؛ ودیعی، ۱۳۵۵؛ سوداگر، ۱۳۵۹) و نیز اصلاحات ارضی بعد از انقلاب اسلامی (احمری، ۱۳۶۹؛ ازکیا، ۱۳۶۵) بحث کرده‌اند.

مسائل روستایی ایران همچنین موضوع همایش‌های زیادی بوده است. در کنگره‌ی توسعه‌ی روستایی ایران، چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه‌ی روستایی ایران به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است (مؤسسه توسعه روستایی ایران، ۱۳۸۲). بنیاد مسکن انقلاب بیشترین مشارکت را در برگزاری سمینارها به عهده داشته است (بنیاد مسکن انقلاب، ۱۳۷۶). تحقیقات مزبور جملگی به نقش برنامه‌ریزی در توسعه‌ی روستایی ایران نظر داشته و بر این عقیده‌اند که صنعت‌گرایی و شهرگرایی تحت عنوان «برنامه‌های نوسازی» (مؤمنی، ۱۳۷۸: ۷۱) الگوی مسلط توسعه در دوره‌ی بعد از جنگ جهانی دوم در کشور بوده است (آموزگار، ۱۳۷۶: ۷۱) و به همین دلیل روستاها به دور از تحولات بوده است (حسامیان، ۱۳۷۶: ۳۹) و این، اساس برنامه‌ی اول و دوم توسعه‌ی کشور را تشکیل داده است.

در برنامه‌ی سوم عمرانی الگوی غالب برنامه‌ریزی کشور نوسازی و رشد سرمایه‌داری بوده است اما نشانه‌هایی از الگوی ساختارگرا در برنامه‌ها مشاهده می‌شود. در این برنامه به مقوله‌ی توزیع به‌عنوان یک هدف اجتماعی توجه می‌شود (حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۷۸: ۱۰۵). الگوی ساختارگرا و توجه به توزیع به‌عنوان ابزاری برای تحقق هدف رشد اساس برنامه‌ی چهارم عمرانی نیز بوده است. برنامه‌ی پنجم عمرانی کشور تا حدی متأثر از الگوی «رفع نیازهای اساسی» بوده است. از این رو در مجموع برنامه‌های عمرانی اول تا پنجم قبل از انقلاب اغلب تحت تأثیر آموزه‌های سه الگوی «رشد سرمایه‌داری»، «ساختارگرا» و «رفع نیازهای اساسی» تدوین شده است (رضوانی، ۱۳۸۳: ۸۷). بعد از انقلاب، برنامه‌های توسعه متأثر از اهداف مردم‌گرا، عدالت‌خواهانه و استقلال طلب بوده است که از چارچوب نظری نئوکلاسیکی پیروی کرده و نگرشی ایستا به مسایل داشته است (مؤمنی، ۱۳۷۸: ۷۹). به همین دلیل برنامه‌ها فاقد رویکرد سیستمی پویا بوده و به دلیل فقدان روش‌شناسی روشن در طراحی اصول برنامه، برنامه‌ریزانی با تخصص عمدتاً اقتصادی و فنی در آن دخالت کرده‌اند (رضوانی، ۱۳۸۳: ۸۹). در قالب این الگوهای کلی، رویکردهای اقتصادی، اجتماعی، فضایی-کالبدی و رویکردهای جامع همه به نوعی در ایران اجرا و آزموده شده‌اند (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲). زیرا چنانکه پیشتر گفته شد دیدگاه غالب معتقد به آن بود که توسعه‌نیافتگی ایران با سیستم برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی در ارتباط است و به همین دلیل در جهت به کارگیری بسیاری از مشاوران داخلی و خارجی هزینه‌های زیادی مصرف گردید. اما همچنان شاهد توسعه‌نیافتگی روستایی در کشور

می‌باشیم. بررسی‌های متعددی بویژه بعد از انقلاب، توسعه‌نیافتگی ایران را با سیستم سکونتگاهی کشور، عوامل طبیعی، سیاست‌های رژیم گذشته و کمبود منابع مالی در رابطه قرار داده‌اند که البته بسیاری از آنها متکی به استدلال منطقی محکمی نبوده‌اند. گرچه حداقل در شرایط علمی کنونی نمی‌توان عاملی قاطع در توجیه توسعه‌نیافتگی ارایه نمود اما حسین عظیمی توسعه‌نیافتگی روستایی ایران را ناشی از فقدان گسترش باورهای نو و همچنین فقدان سازمان‌های مسؤول تحقق اندیشه‌های نو در جامعه‌ی روستایی معرفی کرده (عظیمی، ۱۳۸۲: ۲۴-۱) که مقاله حاضر درصدد ارایه‌ی مصداقی بر این دیدگاه می‌باشد.

مبانی نظری

براساس اصول جغرافیای رفتاری هرگونه دخالتی در سطوح مختلف مدیریت و برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای مستلزم شناخت ساختارهای فضایی است و برای درک ساختارهای فضایی باید به جای تأکید بر موقعیت پدیده‌ها نسبت به هم، به تصمیمات و رفتارهایی که بر نظام و ترتیب پدیده‌ها تأثیر می‌گذارند، توجه ویژه مبذول گردد. «پکیون»^۱ یکی از صاحب‌نظران جغرافیای ادراکی و رفتاری اظهار می‌دارد که انسان‌ها در مورد محیط اغلب بر اساس اعتقاداتشان عمل می‌کنند (بهفروز، ۱۳۷۱: ۷۱-۳۱).

جان کرتلند رایت رئیس انجمن جغرافیدانان آمریکا به این نکته‌ی مهم تأکید دارد که انسان‌ها در مورد محیط، بیشتر بر اساس باورها و عقایدشان عمل می‌کنند. یک جغرافیدان به هنگام تحلیل فضای جغرافیایی، نه تنها باید به مطالعات جغرافیایی و محیطی جغرافیدانان عمل کند، بلکه لازم است که با تفکرات محیطی همه‌ی مردم، کشاورزان، ماهیگیران، سیاستمداران، مدیران بازرگانی، شاعران و حتی بادیه نشینان نیز آشنا گردد. به این دلیل است که علم جغرافیا ناگزیر است به میزان زیادی با مفاهیم ذهنی مردم ارتباط پیدا کند (شکویی، ۱۳۸۲: ۱۱۲). به اعتقاد «رونالد جانستون»، رفتار انسان تحت تأثیر و یا محدودیت‌های محیط طبیعی، محیط اجتماعی (شرایط فرهنگی، ساختارهای نهادی و سازمانی)، محیط انسان ساخت (شهرها، روستاها و محله‌ها) و محیط فضایی قرار می‌گیرد (شکویی، ۱۳۸۲: ۱۲۶). زیرا ادراک یک فرآیند آگاهی است که در نتیجه‌ی اطلاعات دریافت شده از دنیای واقعی (محیط طبیعی و انسانی) به وسیله‌ی دریافت‌کننده‌های ادراکی در ذهن فرد ضبط می‌شود و سپس در رابطه با دخالت عوامل گروهی، فرهنگی و قومی اشخاص و همچنین دخالت خصوصیات ساختاری فردی آنها نظیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی، سن، جنس، تعلیم و تربیت، شغل، تجربه، عامل ترس، رنج، امید، مدت اقامت در یک محل، استعدادهای ذهنی، سیستم‌های شخصیتی و انگیزه‌ی احساسات فرد نقشه‌های ذهنی را سازماندهی می‌کند و نقشه‌های

ذهنی نمودی از آگاهی، تصویری از یک مکان و یا یک محیط است که به عنوان نماینده‌ی سازمان‌یافته از واقعیت در مغز یک فرد بسط یافته و به عنوان نتیجه‌ای از اطلاعاتی که دریافت شده، محفوظ، قابل احضار و تفسیر شده است. نقشه‌های ذهنی به نوبه‌ی خود بر روی تصمیم‌گیری و انتخاب فردی تأثیر می‌گذارد و در نهایت رفتار شخص را تعیین می‌کند (بهفروز، ۱۳۷۰: ۷۱-۳۱). بنابراین رفتار محیطی فرد تحت تأثیر ادراکات محیطی و باورهای اوست. دوران مدرن تاریخ بشری بر اساس سه بینش مهم و تازه به وجود آمده و تکامل یافته است. این ایده‌ها عبارتند از:

- **علم باوری**^۱؛ در دنیای جدید معرفت علمی از اهمیت بسیار بیشتری نسبت به دوران‌های قبلی برخوردار شده و شدیداً مورد توجه قرار گرفته است. این معرفت اغلب متکی بر روش استقرایی، آزمون فرضیه و انجام فعالیت‌های آزمایشگاهی است.

- **انسان باوری**^۲؛ جامعه‌ی امروز ایده و اندیشه‌ی اصالت فرد و انسان را پذیرفته و اصالت نجبا و اشراف را رها کرده است. در زندگی اجتماعی همه انسان‌ها باید از حقوق اجتماعی یکسانی برخوردار باشند.

- **آینده باوری**^۳؛ یعنی انسان می‌تواند خود سرنوشت خویش را تعیین کند. امکان دستیابی به هر شغلی برای همه وجود دارد؛ همه این امکان را دارند کوشش کرده و آینده خود را تعیین کنند.

زمانی یک جامعه به جامعه‌ای توسعه یافته تبدیل می‌شود که جزییات این اندیشه‌ها را مشخص کرده باشد و توانسته باشد نهادها و سازمان‌هایی ایجاد کند که این اندیشه‌های تفصیلی در آن نهادها و سازمان‌ها قابلیت تحقق علمی پیدا کند و شرایطی ایجاد شود که اندیشه‌های جدید در زندگی فرهنگی و اجتماعی حاکم شوند (عظیمی، ۱۳۸۲: ۲۴-۱).

پیتردونالدسن^۴ معتقد است توسعه به وجود آوردن تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، گرایش‌ها و نهادها برای تحقیق کامل هدف‌های جامعه است و در این استحاله‌ی مهم اگر توده‌ی مردم درگیر نباشند، میوه رشد نصیب آنها نمی‌شود. زیرا فرآیند توسعه رنج‌آور و دشوار است؛ تا همه‌ی مردم با آگاهی همگانی از تغییرات و نیاز مطابقت با آن در امر توسعه مشارکت اصیل نداشته باشند، ادامه‌ی توسعه ممکن نخواهد بود (ازکیا، ۱۳۷۷: ۸). به نظر می‌رسد که روستاییان و متولیان توسعه برخاسته از آنان تا پذیرش اندیشه‌های جدید برای تحقق توسعه فاصله‌ی بسیار دارند. بر این اساس مقاله‌ی حاضر توسعه نیافتگی روستایی ایران را مورد بررسی قرار داده است.

1- Scientism

2- Humanism

3- Futurism

4- Peter Donaldson

داده‌های تحقیق

- شاخص‌های توسعه‌ی روستایی

- ویژگی شغلی

جدول ۱، ویژگی شغلی سرپرست خانوارهای نمونه را نشان می‌دهد. طبق جدول هنور عمده‌ترین شغل روستایی، کشاورزی سنتی است. به طوری که در مجموع ۷۹/۱ درصد شاغلان بنوعی در این بخش مشغول فعالیتند و اغلب کسبه و معلمان روستایی در کنار شغل اصلی خود، فعالیت کشاورزی را نیز ادامه می‌دهند و بسیاری از کشاورزان کم زمین نیز در عین حال به کارگری روزمزدی می‌پردازند. اگر در جدول ردیفی برای بیکاری وجود ندارد، علت آن است که بیکاری همدم اکثر زنان روستایی و بویژه جوانان روستایی می‌باشد. طبق بررسی محلی ۹۷/۶ درصد جوانان دختر و ۱۵/۹ درصد جوانان پسر در سنین ۱۵ تا ۲۸ ساله (به استثنای اطفال و محصل) ساکن روستا بیکارند.

جدول ۱: ویژگی شغلی سرپرست خانوارهای نمونه

نوع شغل	زارع، دامدار	زارع، کاسب	زارع، معلم	روحانی	کارگر	کارمند، معلم، پاسدار	راننده	کاسب
درصد	۶۳/۹	۱۲/۶	۲/۶	۲/۶	۶/۳	۷/۸	۲/۶	۱/۶

مأخذ: بررسی محلی ۱۳۸۵

در سطح ملی نیز نرخ سرباری جمعیت روستایی از ۳،۱ در سال ۱۳۳۵ به ۴،۰۸ در سال ۱۳۷۵ رسیده است. در دهه‌ی ۱۳۴۵-۱۳۵۵، حدود ۱۰۴ هزار شغل از مشاغل کشاورزی کاسته شده است. در دهه‌ی بعد از آن نیز ۱۹۰ هزار شغل در این بخش کاهش یافته است (رضوانی، ۱۳۸۲: ۲۲-۲۱). درصد اشتغال جمعیت روستایی در سال ۱۳۷۵ در بین مردان ۹۴ درصد و بین زنان ۹/۱۵ درصد بوده است.

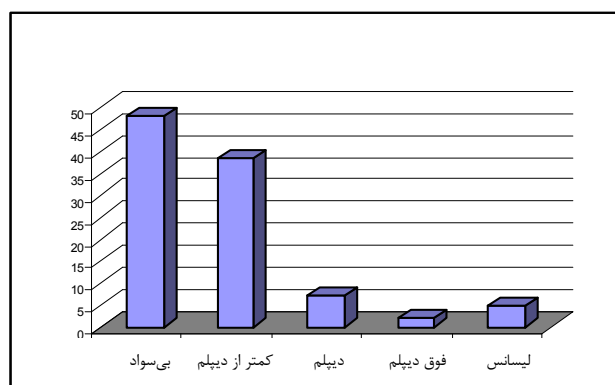
- سواد

جدول ۲ و نمودار ۱ میزان سواد سرپرست خانوارهای نمونه را نشان می‌دهد. طبق بررسی بی‌سوادی بر روستاها غلبه دارد و میزان تحصیل کرده‌های دیپلم به بالا در بین ساکنان رسمی روستاها بسیار ناچیز است. اغلب باسوادان به دلیل عدم استفاده از آموخته‌های خود به بی‌سوادی رجعت کرده‌اند.

جدول ۲: میزان سواد سرپرست خانوارهای نمونه

میزان سواد	بی سواد	کمتر از دیپلم	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس
درصد	۴۷/۹	۳۸/۳	۷	۲	۴/۸

مأخذ: بررسی محلی ۱۳۸۵



نمودار ۱: سواد سرپرست خانوار به درصد

- دسترسی فرزندان روستایی به خدمات آموزشی و بهداشتی

جدول ۳، دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی را بر اساس مدل دسترسی (Rondinhelli, 1985: 182-183) نشان می‌دهد.

جدول ۳: دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی

پزشک	دبیرستان	مدرسه راهنمایی	مدرسه ابتدایی	فاصله به کیلومتر
۱۳/۱	۰	۲۵/۹	۳۴/۶	< ۱
۴۷/۷	۳۱/۱	۵۰/۶	۵۲/۵	۱-۴/۹۹
۴/۶	۱۲/۷	۲/۱	۵/۵	۵-۹/۹۹
۱۹/۸	۲۶/۷	۱۲/۲	۲/۶	۱۰-۹/۹۹
۱۴/۸	۲۹/۳	۹/۲	۴/۸	> ۲۰

مأخذ: بررسی محلی ۱۳۸۵

نتیجه حاصله از این موقعیت به خوبی در وضعیت تحصیلی فرزندان روستایی منعکس (جدول ۴). براساس بررسی محلی از کل ۲۲۳۱ نفر فرزندان ۴۶۰ خانوار، ۱۹/۳ درصد دختران و ۹/۶ درصد پسران به هر دلیلی از هرگونه تحصیلی محرومند. ۹۸/۷ درصد دختران و ۹۳/۲ درصد پسران به تحصیلات دانشگاهی دسترسی ندارند. دسترسی به موقعیت بهداشتی روستاییان نیز رضایت بخش نمی‌باشد.

جدول ۴: وضعیت تحصیل فرزندان روستایی

عنوان	دختر	پسر
اطفال	۴/۲	۳/۹
دانش آموز	۲۱/۶	۲۱/۹
بی سواد	۱۹/۳	۹/۶
کمتر از دیپلم	۵۳/۶	۵۷/۸
بالاتر از دیپلم و لیسانس	۱/۳	۶/۸

مأخذ: بررسی محلی ۱۳۸۵

- درآمد

جداول ۵ ویژگی درآمدی، جدول ۶ و نمودار ۲ گروه های درآمدی سرپرست خانوارهای نمونه را نشان می دهد که بر اساس آن درصد جمعیت کم درآمد زیاد و نابرابری درآمد بالاست.

جدول ۵: ویژگی درآمدی سرپرست خانوارهای نمونه

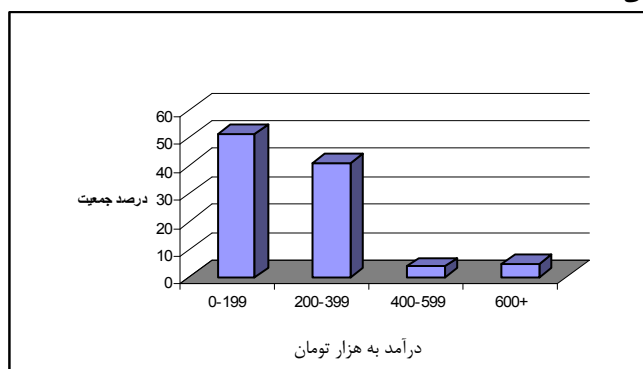
ویژگی	معدل	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
میزان به هزار تومان	۲۲۷/۷	۱۸۰	۱۸۸/۹	۳۰	۱۸۰۰

مأخذ: بررسی محلی ۱۳۸۵

جدول ۶: گروههای درآمدی (سرپرست خانوارهای نمونه)

گروههای درآمدی به هزار تومان	۱۹۹-۰	۳۹۹-۲۰۰	۵۹۹-۴۰۰	بالاتر از ۶۰۰	جمع
درصد	۵۰/۸	۴۰/۹	۳/۷	۴/۶	۱۰۰

مأخذ: بررسی محلی ۱۳۸۵



نمودار ۲: گروه های درآمدی

در سطح ملی شاخص نابرابری درآمد بین فقیرترین قشر جامعه (دهک اول) با ثروتمندترین قشر جامعه (دهک دهم) در سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۶۳ در جامعه‌ی روستایی ۲۱،۲۳ برابر بوده است که در سال ۱۳۷۹ به ۲۰/۶۴ برابر رسیده است (رضوانی، ۱۳۸۲: ۱۶-۱۵). ضریب جینی بیانگر نابرابری درآمد در جامعه‌ی روستایی ایران در طول دو دهه‌ی اخیر می‌باشد (جدول ۷).

جدول ۷: ضریب جینی نابرابری درآمد در جامعه‌ی روستایی کشور

دوره	۱۳۶۳-۶۷	۱۳۷۹	۱۳۸۰
ضریب جینی	۰/۴۲۶	۰/۴۲۹	۰/۴۱۵

مأخذ: رضوانی ۱۳۸۲: ۱۶-۱۵

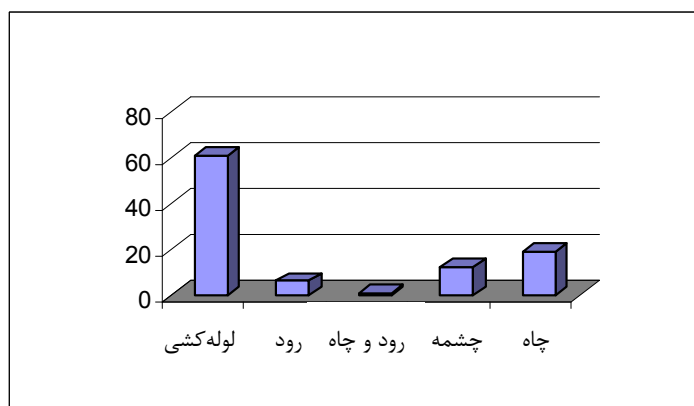
- منابع تأمین آب آشامیدنی

جدول ۸ و نمودار ۳، منابع تأمین آب آشامیدنی روستاهای نمونه را نشان می‌دهد.

جدول ۸: منابع تأمین آب آشامیدنی روستاهای نمونه

منابع تأمین آب	لوله‌کشی	رود	رود و چاه	چشمه	چاه
درصد	۶۱/۱	۶/۳	۰/۹	۱۲/۴	۱۹/۳

مأخذ: بررسی محلی ۱۳۸۵



نمودار ۳: منابع تأمین آب آشامیدنی روستاهای نمونه

- فقر در جامعه‌ی روستایی

بر اساس جدول ۶، گروه‌های درآمدی کمتر از ۲۰۰ هزار تومان ۵۰/۸ درصد خانوارها را در برمی‌گیرد. بنابراین بخش مهمی از جمعیت زیر خط فقر قرار دارند. زیرا بر اساس اطلاعات خام بودجه خانوار، خط فقر نسبی در سال ۱۳۸۲ برای یک خانوار پنج نفره به قیمت ثابت ۱۳۸۲ در جامعه‌ی روستایی ۱۱۱۱۵۶۲ ریال برآورد شده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۲: ۳). که اکنون حتماً بیش از این مقدار می‌باشد. گروه‌های درآمدی بالا را برخی بزرگ مالکان، افراد نیروهای نظامی و انتظامی، معامله‌گران سنتی و رانندگان تشکیل می‌دهد.

در سطح ملی بر اساس آمار رسمی مرکز آمار ایران در خصوص درصد خانوارهای روستایی زیر خط فقر نشان می‌دهد که در طی دوره ۱۳۷۸-۱۳۶۳، ۲۲/۱۵ درصد جامعه روستایی زیر خط فقر نسبی و ۲۳/۷۷ درصد جامعه روستایی زیر خط فقر مطلق قرار داشته‌اند.

در برنامه‌ی پنج ساله‌ی اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲) این میزان به ۲۳/۳۷ درصد و ۲۵/۷ درصد رسیده است. در سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۷۳ (برنامه پنج ساله دوم) ۲۲/۳۸ درصد جامعه‌ی روستایی کشور زیر خط فقر قرار داشته‌اند. طبق برآوردی در سال ۱۳۷۵، ۲۶/۴ درصد خانوارهای روستایی زیر خط فقر بوده‌اند (رضوانی، ۱۳۸۲: ۱۳).

- مهاجرت روستایی

سهم جمعیت روستایی از ۶۲ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۳۸/۳ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. در صورتی که در تمام طول دوره‌ی یاد شده نرخ رشد طبیعی جمعیت روستایی از نرخ رشد طبیعی جمعیت کشور بیشتر بوده است. در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵، حدود ۲/۸۳ میلیون نفر مهاجر در استان‌های کشور سرشماری شده‌اند که محل اقامت قبلی آنان نقاط روستایی بوده است (سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۶: ۷۲-۷۱). یعنی سالیانه حدود بیش از ۲۸۳ هزار نفر از متولدین روستاها به خارج از محل تولدشان، اغلب به شهرها مهاجرت کرده‌اند. آمار نشان می‌دهد که با گذشت زمان روند مهاجرت روستایی بیشتر می‌شود به گونه‌ای که سهم نسبی مهاجران با سابقه‌ی یک سال اقامت یا کمتر از یک سال در مراکز شهری در سال ۱۷/۱۳۶۵،۹۴ درصد بود و در سال ۱۳۷۵ به ۳۲/۴۰ درصد رسیده است؛ با این تفاوت که در الگوی قدیم مهاجرت فقط نیروی کار جامعه روستایی به سمت شهرها حرکت می‌کرد اما در الگوی جدید همه‌ی اعضای خانواده با هم اقدام به ترک روستا می‌کنند (فرشاد مومنی، ۱۳۸۵: ۲۱-۱۵). طبق بررسی موردی این مطالعه از مجموع ۲۲۳۱ نفر فرزندان روستایی به شرح جدول ۹ به مناطق شهری مهاجرت کرده‌اند:

جدول ۹: درصد مهاجرت فرزندان روستایی به مراکز شهری

عنوان	تهران	رشت	فومن	سایر	جمع
پسر	۳۲/۹	۶/۴	۱۵/۶	۸/۶	۶۳/۵
دختر	۲۰/۲	۵/۲	۱۰/۴	۵/۸	۴۱/۶

مأخذ: بررسی محلی، ۱۳۸۵.

بر اساس جدول ۹ درصد بالایی از فرزندان روستایی به مناطق شهری بخصوص تهران مهاجرت کرده اند. درصد مهاجران اولاد ذکور بویژه قابل توجه است. مهاجرت روستایی به مناطق شهری منجر به تخلیه جمعیتی روستاها شده است. در ناحیه‌ی مورد مطالعه ۱۱ روستای خالی از سکنه وجود دارد. در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵، در سطح کشور در مجموع ۶۹۴۲ روستا با جمعیتی بالغ بر ۸۳ هزار خانوار خالی از سکنه (تخلیه‌ی جمعیتی) شده است که از این تعداد ۸۱ درصد در گروه زیر ۲۰ خانوار، ۱۶ درصد در گروه ۲۰ تا ۵۰ خانوار و حدود ۳ درصد نیز در گروه ۵۰ تا ۱۰۰ خانوار قرار داشته‌اند (پایگاه اطلاعات رایانه‌ای آبادی‌های کشور، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی، سرشماری کشاورزی، ۱۳۷۲). ارقام بیانگر آن است که روند متروک شدن روستاها پدیده‌ای جدی در کشور است.

- شاخص‌های ادراک محیطی روستاییان

در این بررسی کوشش شده ادراک محیطی روستاییان بر اساس مصاحبه با آنان و نیز تکمیل پاسخ سه پرسش مورد مطالعه قرار گیرد تا بر این اساس بتوان نقش دیدگاه‌های محیطی روستاییان را در توسعه‌نیافتگی روستایی مورد ارزیابی قرار داد.

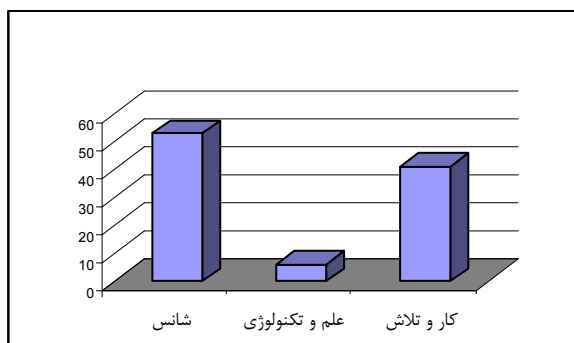
- عوامل مؤثر در توفیق انسان

جدول ۱۰ و نمودار ۴ عوامل مؤثر در توفیق انسان را از دید روستاییان نشان می‌دهد.

جدول ۱۰: عوامل مؤثر در توفیق انسان از دید روستاییان

عوامل مؤثر	شانس	علم و تکنولوژی	کار و تلاش	جمع
درصد	۵۲/۷	۶/۱	۴۱/۲	۱۰۰

مأخذ: بررسی محلی ۱۳۸۵



نمودار ۴: عوامل مؤثر در توفیق انسان از دید روستاییان

- برابری انسان

جدول ۱۱ دید روستاییان را در رابطه با این پرسش که آیا انسان‌ها ارزش برابر دارند، نشان می‌دهد.

جدول ۱۱: دید روستاییان در رابطه با ارزش انسان

پاسخ	بلی	خیر	جمع
درصد	۱۲/۴	۸۷/۶	۱۰۰

مأخذ: بررسی محلی ۱۳۸۵

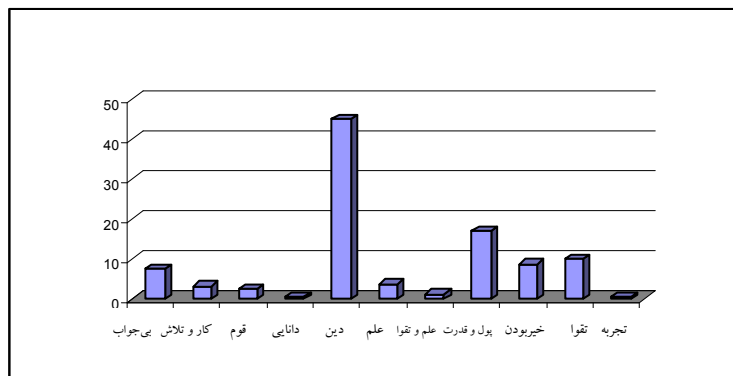
- عوامل برتری انسان

جدول ۱۲ و نمودار ۵، عوامل برتری انسان را از دید روستاییان نشان می‌دهد

جدول ۱۲: عوامل برتری انسان از دید روستاییان

عامل برتری	دین	تقوا	خیر بودن	پول و قدرت	علم و تجربه	کار و تلاش	بی‌جواب
درصد	۴۹/۳	۱۰/۷	۹/۸	۱۶/۵	۴/۶	۲/۲	۷

مأخذ: بررسی محلی ۱۳۸۵



نمودار ۵: عوامل مؤثر در برتری انسان از دید روستاییان

تحلیل داده‌ها

بر اساس داده‌های تحقیق نواحی روستایی به رغم سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مختلف همچنان در شرایط توسعه نیافتگی به سر می‌برند جمعیت روستایی از بیکاری، نابرابری درآمد و فقر در رنج است. درصد اشتغال مردان ۵۸/۹۴ می‌باشد و تنها ۹/۱۵ درصد زنان به کار اشتغال دارند. ضریب جینی نابرابری درآمدی ۰/۴۱۵ و انحراف معیار ۱۸۸/۹ حاکی از نابرابری درآمدی جمعیت روستایی است. گروه‌های درآمدی کمتر از ۲۰۰ هزار تومان ۵۰/۸ درصد خانوارها را در بر می‌گیرد. که بخش مهمی از جمعیت زیر خط فقر قرار دارند.

نگاهی به ترکیب شغلی جمعیت نشان می‌دهد که ۷۷/۶ درصد جمعیت در کشاورزی سنتی اشتغال دارند. فعالیت غیرزراعی منحصر به خرید و فروش مایحتاج اولیه و ارایه‌ی خدمات ساده و ضروری روستاست. روستا از وجود کارکنان آموزش دیده، با مهارت، با ذوق و مبتکر و بطور کلی افراد خلاق و نوآور خالی است. ۴۷/۹ درصد سرپرست خانوارها بی‌سوادند. افراد باسوادی که در روستا زندگی می‌کنند، اغلب دارای مدرک تحصیلی ابتدایی و یا ترک تحصیل‌کنندگان سطوح دیپلم و زیر دیپلم می‌باشند که به دلیل فقدان ارتباط بین آموخته‌ها و مشاغل روزمره و عدم استفاده از آموخته‌ها، اطلاعات علمی این افراد در حد خواندن و نوشتن ساده باقی مانده است. بر اساس داده‌های مدل دسترسی و با توجه به کیفیت راه و وسیله‌ی نقلیه ۶۵/۴ درصد دانش‌آموزان ابتدایی، ۲۳/۵ درصد دانش‌آموزان راهنمایی و ۶۸/۹ درصد دانش‌آموزان دبیرستانی دسترسی مناسبی به خدمات آموزشی ندارند.

۳۴/۶ درصد جمعیت روستایی از دسترسی مناسب به خدمات درمانی محرومند. زیرا حداکثر استاندارد شعاع قابل استفاده برای دبستان ۶۰۰ متر و برای مدارس راهنمایی و دبیرستان ۱۰۰۰ متر است (سایش، ۱۳۷۴: ۹۵). این ارقام برحسب کیفیت راه و وسیله‌ی نقلیه

متفاوت است و حداقل ۵۰ درصد جمعیت بایستی در فاصله ۵ کیلومتری یک عملکرد (درمانی) قرار داشته باشد (Rondinhelli, 1985: 183).

تنها حدود ۶/۸ درصد فرزندان ذکور و ۱,۳ درصد دختران روستایی دارای تحصیلات دانشگاهی اند و بقیه به هر دلیلی از دستیابی به تحصیلات عالی محرومند.

۴۶/۶ درصد جمعیت به آب آشامیدنی بهداشتی دسترسی ندارند. آن چه به نام استفاده از آب لوله کشی ذکر شده تنها منحصر به یک خط لوله از منبع آب به محوطه مسکن می باشد که در اکثر موارد فاقد آب است. فقدان دسترسی مناسب جمعیت به آب آشامیدنی سالم و استفاده از آب چاه و رود موجب ابتلای جمعیت به انواع بیماری ها می شود. تب مالت و بیماری پوستی (سیاه زخم) بیماری رایج کلیه خانواده هایی است که دارای دام می باشند، این بیماری ها توان مالی، جسمی و روحی آنان را به تحلیل می برد که در مبحث دیگری مورد بررسی قرار می گیرد. حتی در مواردی که در اثر اجرای طرح های کالبدی محیط عمومی روستا از وضعیت مطلوبی برخوردار است، مسکن روستایی فاقد امکانات اولیه بهداشتی و زیستی است.

مهاجرت های رکودی به تخلیه بسیاری از سکونت گاه های روستایی انجامیده است. در فاصله ی سال های ۱۳۶۵-۱۳۷۵ سالانه حدود بیش از ۲۸۳ هزار نفر از متولدان روستایی به شهرها مهاجرت کرده اند. با گذشت زمان روند مهاجرت روستایی بیشتر می شود به گونه ای که سهم نسبی مهاجران با سابقه یک سال اقامت یا کمتر از یکسال در مراکز شهری در سال ۱۳۶۵، ۱۷/۹۴ درصد بود و در سال ۱۳۷۵ به ۳۲/۴۰ درصد رسیده است؛ چون در الگوی جدید همه اعضای خانواده با هم اقدام به ترک روستا می کنند، ارتباط آنان با روستا بیش از پیش گسسته می شود. جمعیت باقی مانده در سکونتگاه های روستایی اغلب مهارت، خلاقیت و توان ایفای نقش تولیدی ندارند و سهم آنان در تولید ملی کشور ناچیز است. در ابتدای سال ۱۳۶۸ (ابتدای برنامه ی اول توسعه) بالغ بر ۴۰ درصد از کل جمعیت فعال کشور از ایفای کوچکترین نقشی در تولید ملی ناتوان بوده اند. این نسبت در سال پایانی اجرای برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸) به ۵۳ درصد افزایش یافته است (مؤمنی، ۱۳۸۲: ۲۲).

بر اساس اطلاعات موجود کل کشاورزی ایران حدود ۲۴ درصد تولید ملی کشور را ایجاد می کند. این در حالی است که در گذشته این نسبت به مراتب بالاتر بوده است و نیز اکنون تمام تولید بخش کشاورزی در نقاط روستایی انجام نمی گیرد بلکه بخش قابل توجهی از تولید بخش کشاورزی در نقاط دارای جمعیت بالای ۵۰۰۰ نفر انجام می گیرد (عظیمی، ۱۳۸۲: ۲۴-۱).

افراد فاقد مهارت، سرمایه و بینش نو قادر به کسب درآمد بالا نبوده و نمی توانند تحول مثبتی در اداره ی زندگی خود ایجاد کنند در مقابل چنین جمعیتی با زاد و ولد بالا جمعیت

سربار را افزایش می‌دهد (متوسط تعداد اعضای خانواده ۶٫۵ نفر است). زیرا ازدواج زودرس را مرهم مشکلات خود می‌پندارند.

نمونه‌های فراوانی وجود دارد که مادر ۱۷ ساله‌ای دارای دو فرزند بوده در حالی که همسرش در خدمت سربازی به سر می‌برد (برادران نصیری، ۱۳۸۴: ۱۲). از این رو بخش مهمی از روستاهای کشور در شرایط عقب‌ماندگی به سر می‌برند. چنانکه براساس نتایج اجرای طرح تعیین سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی کشور که توسط مؤسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی با استفاده از ۸۹ شاخص انجام شده است، تنها ۴/۸ درصد دهستان‌های کشور بطور نسبی در شرایط توسعه‌یافتگی قرار دارند، ۳۷ درصد در شرایط در حال توسعه و ۵۸/۲ درصد در وضعیت حاشیه‌ای می‌باشند (رضوانی، ۱۳۸۲: ۲۴).

چنانکه مذکور افتاد جهت توسعه‌ی روستایی در کشور برنامه‌های «نوسازی»، «ساختارگرا»، «رفع نیازهای اساسی» و برنامه‌های توسعه متأثر از اهداف مردم‌گرا، عدالت‌خواهانه و استقلال طلب اجرا شده است. در قالب این الگوهای کلی، رویکردهای اقتصادی، اجتماعی، فضایی-کالبدی و رویکردهای جامع در ایران آزموده شده‌اند. دولت جهت حمایت از روستاها و قشر آسیب‌پذیر جامعه سرمایه‌ی زیادی هزینه کرده است. بنا بر وضعیت کنونی چه توجیهی دارد؟ برنامه‌ریزی روستایی باید در جستجوی دستیابی به اهداف مختلف طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باشد (پاپلی‌یزدی-ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۵۴).

دستیابی به این اهداف بطور مجزا و منفک از یکدیگر امکان‌پذیر نمی‌باشد. بنابراین اولاً توسعه‌ی روستایی جدای از توسعه‌ی ملی، ناحیه‌ای و محلی میسر نمی‌گردد. ساختار فضایی متأثر از ادراکات محیطی و رفتارهایی است که بر نظام تأثیر می‌گذارد. ادراکات محیطی روستاییان و رفتارهای برخاسته از آن در شرایط کنونی محرک و مشوق توسعه نمی‌باشد و در این رابطه تنگناهای جدی وجود دارد. ثانیاً توسعه فکری، اندیشه‌ای و آموزشی در این روند نقش مهمی به عهده دارد. زیرا عمران روستایی فرآیندی است که باید به طور مداوم توان و ادراکات ذهنی روستاییان را افزایش دهد تا آنها بیش از پیش به صورت شروع‌کننده و کنترل‌کننده‌ی تغییرات در آیند نه آنکه همواره فقط نقش تابع از یک متغیر را داشته باشند (شهبازی، ۱۳۷۲: ۴-۳). دانش، دانایی ملی و سرمایه‌ی انسانی بزرگترین منبع توسعه است.

تحلیل داده‌های تحقیق براساس آمار استنباطی نشان می‌دهد که تنها همبستگی محدودی بین سن و تحصیل سرپرست خانوار (ضریب همبستگی ناپارامتری اسپرمن، ۰/۷) و نیز بین شغل و تحصیل سرپرست خانوار (ضریب همبستگی ناپارامتری اسپرمن، ۰/۶) وجود دارد (میانگین سن سرپرست خانوارها ۵۵/۱ سال است)، ارتباط معنی‌داری بین متغیر سواد موجود و کمیت و کیفیت درآمد و استاندارد زندگی (مسکن مناسب و دارا بودن توالیت بهداشتی) وجود ندارد. گویا سواد رایج تأثیری در گسترش افکار مترقی، کارایی فرهنگی، مهارت شغلی و

درآمد اقتصادی ندارد و به رغم تحمیل هزینه به بودجه خانوار و دولت قادر نیست حتی توقع افراد را در تلاش برای بهبود شرایط زندگی افزایش دهد و فعالیت بیشتر آنان را تشویق کند. گرچه بین میزان کمیت سواد و کیفیت مسکن و درآمد افراد رابطه‌ای وجود ندارد، اما بین میزان آگاهی^۱ و کیفیت مسکن، بهداشت و درآمد رابطه معنی‌دار است. ضریب همبستگی ناپارامتری اسپرمن بین متوسط رتبه‌ی پاسخ به سه پرسش (آیا انسان‌ها ارزش برابر دارند؟ عوامل مؤثر در توفیق انسان و عوامل مؤثر در برتری انسان از دید روستاییان) و رتبه‌ی استاندارد زندگی $+0/۶۵$ است ولی بین متوسط رتبه سه پاسخ مذکور و میزان درآمد رابطه‌ی معنی‌داری موجود نیست، از اینجا چند نتیجه حاصل می‌شود:

سواد رسمی موجود بیانگر فرهنگ روستایی نیست. هر روستایی بی‌سوادی بی‌فرهنگ نیست و هر باسواد با فرهنگ تلقی نمی‌شود؛ روستایی با سواد از سنگ و بلوک مجانی اداره‌ی بهداشت برای ساخت توالت استفاده نمی‌کند، بلکه آن را هدر می‌دهد؛ در مقابل برای جلوگیری از اختصاص چندمتر زمین بی‌حاصل به تعریض معابر روستا به خشونت و کتک‌کاری متوسل می‌شود. در عین حال اسامی فوتبالیست‌های دنیا را از بر دارد. از نظر لوازم ضروری خانگی بسیار در مضیقه است ولی از «ام پی تری» خواننده‌های قدیمی مبتذل چیزی کم ندارد. سواد موجود در بهترین حالت آمادگی بالقوه یادگیری افراد را بالا برده است ولی این آمادگی لزوماً عملی نمی‌شود. مشکل اصلی در کیفیت سوادآموزی است نه ویژگی ذاتی سواد. میزان درآمد و فرهنگ معنی‌دار نمی‌باشد و متوسط زمین تحت کشت افراد $۱/۲۷$ هکتار و توزیع آن بسیار نابرابر می‌باشد (جدول ۱۳).

جدول ۱۳: میزان زمین تحت مالیکیت افراد روستایی به هکتار

تعداد خانوار	میزان متوسط	انحراف معیار
۴۶۰	۱/۲۷	۲/۱۳

مأخذ: بررسی محلی، ۱۳۸۵

داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که جمعیت روستایی ایران از نظر ادراکات محیطی و تفکر توسعه‌ای با مشکلات زیادی مواجه‌اند. جمعیت به دور از آموزش متعالی موفقیت خود را در شانس جستجو می‌کند ($۵۲/۷$ در صد پاسخ دهندگان) و در انتظار وقوع معجزه‌ای است که زندگی او را بهبود بخشد؛ اعتقادی به برابری انسان‌ها ندارد ($۸۷/۶$ درصد پاسخ‌دهندگان)، به

۱- در نشست و برخاست متعدد با روستاییان مشخص می‌شود که برخی از آنان نقطه نظرات و رفتار منطقی‌تری نسبت به مسایل جامعه‌ی روستایی دارند و از آگاهی اجتماعی بیشتری برخوردارند.

برتری فرد بر فرد باور دارد و عواملی چون اعتقادات سنتی و در نهایت زور و ثروت را عامل برتری فرد بر فرد می‌پندارد. نزد او اندیشه‌های نویدبخش و آینده‌ساز اعتقادی وارونه تعبیر می‌شود، در روستاها کراهت مصرف مواد مخدر از بین رفته است. روستایی زحمتکش و کارگر از کار خود احساس غرور و شادی ندارد. در چنین جامعه‌ای اقدامات عمرانی و توسعه‌ی فضای فیزیکی روستا به توسعه منجر نمی‌شود. زیرا این برنامه‌ها در واقع در افتادن با نشانه‌های فقر است. این برنامه‌ها و تزریق پول در مناطق روستایی توقعات را بالا می‌برد، زمینه‌های بی‌ثباتی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را فراهم می‌آورد و وابستگی روستاییان را به دولت تشدید می‌کند (ازکیا، غفاری، ۱۳۸۳: ۳۱-۳۰). در چنین شرایطی، صرف هزینه‌های گزاف، بازسازی فیزیکی و ایجاد مسکن مطلوب راه به جایی نمی‌برد. ایجاد مشاغل برای جمعیت بی‌بهره یا کم بهره از توسعه‌ی فکری و اندیشه‌ای، اگر ممکن باشد، نیز جز مرهمی موقتی و اتلاف سرمایه چیزی به ارمغان نمی‌آورد. زیرا در شرایط جهانی شدن، هر موجی می‌تواند مجدداً به بیکاری و حذف منابع درآمدی جمعیت با معیشت سنتی بیانجامد.

نتیجه‌گیری

ساختارهای فضایی متأثر از ادراکات محیطی و تصمیمات و رفتارهای مرتبط به آن است در نتیجه می‌توان توسعه را از بازسازی جامعه بر اساس ادراکات نو و سازنده دانست. بررسی نشان می‌دهد که در جامعه‌ی ما این ادراکات و رفتارها جایگاه شایسته‌ای ندارد، این ایده‌ها درک نمی‌شود و برای تحقق آنها سازمان‌های مسئولی وجود ندارد. عدم وجود چنین ادراکاتی بین مردم و برنامه‌ریزان برخاسته از آنها سبب شده که انفکاک و شکاف بین علم و مدیریت به عنوان مشکل اساسی جامعه بروز کند (خاتمی، ۱۳۸۰: ۱۸-۱۵). در اداره‌ی جامعه روستایی اصلاح الگوهای ذهنی جایگاهی ندارد. دیدگاه حاکم و نظام آموزش رسمی توان تحول الگوهای ذهنی و رواج ایده‌های نو را ندارد. بنابر ادراکات محیطی موجود، تصمیمات و رفتارهای مرتبط به آن و بی‌توجهی به اندیشه‌های جدید از سوی مردم و برنامه‌ریزان روستایی مهمترین عامل مؤثر در توسعه‌نیافتگی روستایی ایران است.

منابع و مأخذ

- ۱- آسایش، حسین (۱۳۷۴): کارگاه برنامه ریزی روستایی. تهران. دانشگاه پیام نور.
- ۲- آموزگار، جهانگیر (۱۳۷۶): چاره‌های ایرانی برای حل مسایل اقتصادی ایران. مجله تحقیقات اقتصادی. شماره ۲۱ و ۲۲. دانشگاه تهران.
- ۳- احمری، محمود (۱۳۶۹): تفسیری بر مستثنیات اصلاحات ارضی در ایران. مجله رشد آموزش جغرافیا در ایران.
- ۴- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱): جامعه‌شناسی توسعه. نشر کلمه. چاپ چهارم. تهران.
- ۵- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۵): جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران. تهران. انتشارات اطلاعات.
- ۶- ازکیا، مصطفی - غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳): توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران. تهران. نشر نی.
- ۷- اشرف، احمد (۱۳۷۶): دهقانان، زمین و انقلاب، مجموعه مسایل ارضی و دهقانی. انتشارات آگاه. تهران.
- ۸- افراخته حسن (۱۳۷۶): ارزیابی نتایج حاصل از اجرای طرح‌های ساماندهی روستایی در کشور. مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان. مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده کشور. بنیاد مسکن.
- ۹- برادران نصیری، مستوره (۱۳۸۴): روستاییان محروم در دل طبیعت سرسبز گیلان. روزنامه جام‌جم. ۱۷ آبان ۱۳۸۴.
- ۱۰- بنیاد مسکن (۱۳۷۶): مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده کشور. تهران.
- ۱۱- بهروز، فاطمه (۱۳۷۰): بررسی‌های ادراک محیطی و رفتار در قلمرو مطالعات جغرافیای رفتاری، جغرافیای انسانی معاصر. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۲۰.
- ۱۲- پاپلی یزدی، محمدحسین؛ محمدامیر ابراهیمی (۱۳۸۱): نظریه‌های توسعه روستایی. تهران. انتشارات سمت.
- ۱۳- حسامیان، فرخ (۱۳۷۶): شهرنشینی در ایران. چاپ دوم. تهران. انتشارات آگاه.
- ۱۴- حسین زاده بحرینی، محمد (۱۳۷۸): پارادایم‌ها و دیدگاه‌های نظری برنامه‌ها و نوع نگرش آنها به توسعه. مجموعه مقالات همایش پنجاه سال برنامه ریزی توسعه در ایران. جلد اول. مرکز تحقیقات اقتصاد ایران. دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۵- خاتمی، سیدمحمد رضا (۱۳۸۰): مبانی معرفتی و نهادی توسعه. مجموعه مقالات و مباحث مطرح شده در همایش نگاهی نو به توسعه منطقه‌ای. استانداری سیستان و بلوچستان. دفتر توسعه محور شرق.
- ۱۶- خسروی، خسرو (۱۳۵۸): جامعه‌ی دهقانی در ایران. چاپ اول. تهران. انتشارات پیام.

- ۱۷- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۲): *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی در ایران*. تهران. نشر قومس.
- ۱۸- زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۲): *جایگاه روستا در فرآیند توسعه‌ی ملی*. به کوشش قدیر فیروزنیا و عبدالرضارکن‌الدین افتخاری. تهران. مؤسسه توسعه روستایی.
- ۱۹- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۲): *خلاصه گزارش اقتصادی و نظارت بر عملکرد سال چهارم برنامه سوم توسعه*.
- ۲۰- سوداگر، محمد (۱۳۵۹): *نظام ارباب و رعیتی در ایران*. مؤسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی پازند. تهران.
- ۲۱- شکوئی، حسین (۱۳۸۲): *اندیشه‌های نو در فلسفه‌ی جغرافیا*. جلد دوم. چاپ اول. تهران. گیتاشناسی.
- ۲۲- شهبازی، اسماعیل (۱۳۷۲): *توسعه و ترویج روستایی*. دانشگاه تهران.
- ۲۳- عظیمی، حسین (۱۳۸۲): *جایگاه روستا در فرآیند توسعه ملی از دیدگاه صاحب‌نظران*. به کوشش قدیر فیروزنیا و عبدالرضارکن‌الدین افتخاری. تهران. مؤسسه توسعه روستایی.
- ۲۴- کاتوزیان، محمدعلی (همایون) (۱۳۶۹): *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز پرتوی. نشر مرکز. جلد اول و دوم.
- ۲۵- مطیعی‌لنگرودی، حسن (۱۳۸۲): *برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران*. انتشارات جهاد دانشگاهی. مشهد.
- ۲۶- مؤمنی، فرشاد (۱۳۸۳): *تحول الگوهای ذهنی، پیش‌نیاز توسعه روستایی ایران*. مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی. چالش‌ها و چشم‌اندازها، مؤسسه توسعه روستایی ایران. تهران.
- ۲۷- مؤمنی، فرشاد (۱۳۷۸): *تلقی از توسعه در برنامه‌های گذشته ایران*. مجموعه مقالات همایش پنجاه سال برنامه‌ریزی توسعه در ایران. جلد اول. مرکز تحقیقات اقتصاد ایران. دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲۸- میسرا، آر. پی (۱۳۵۳): *چارچوب برنامه‌ریزی چند سطحی در ایران*. سازمان برنامه و بودجه.
- ۲۹- ودیعی، کاظم (۱۳۵۵): *روستائینشی در ایران*. چاپ دوم. تهران. شورای عالی فرهنگ و هنر.
- ۳۰- وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۹): *چکیده طرح ساماندهی فضاها و مراکز روستایی*. معاونت عمران روستایی.